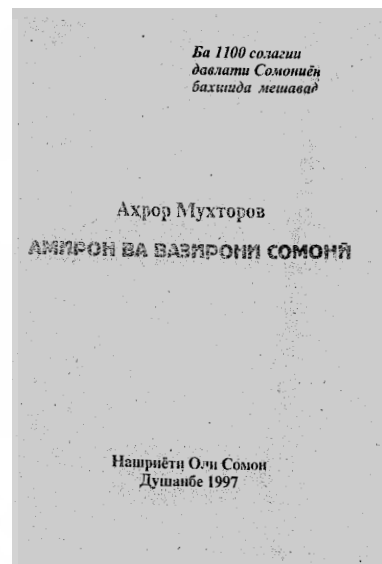
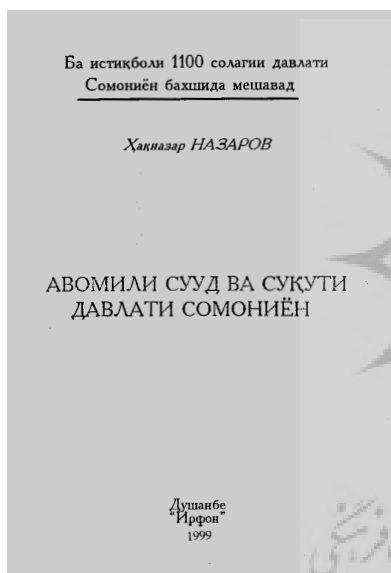


نقد و معرفی

دو کتاب تاریخی درباره سامانیان

○ دکتر لقمان بایمت اف



- ۱- احرار مختاراف: امیران و وزیران سامانی، انتشارات آل سامان
○ ۲- حق نظر نظراف: عوامل صعود و سقوط دولت سامانیان، انتشارات عرفان، ۱۹۹۹

(۲۰): ترمذ (ص ۲۱، ۳۷)؛ بتم (ص ۳۰): نوکت (۳۱)، اسپره (۳۵)؛ خواص (ص ۳۹)؛ ریو (ص ۱۲)؛ یوسف کنکه (ص ۱۳)؛ عبدالحسین المزی (ص ۶۲)؛ تاریخ جهانگشای (ص ۵۸)؛ اسطخری (ص ۵۲)؛ ... به اشتباه نوشته شده‌اند. به احتمال قوی اشتباهات فوق هنگام چاپ و یا حروفچینی رخ داده است.

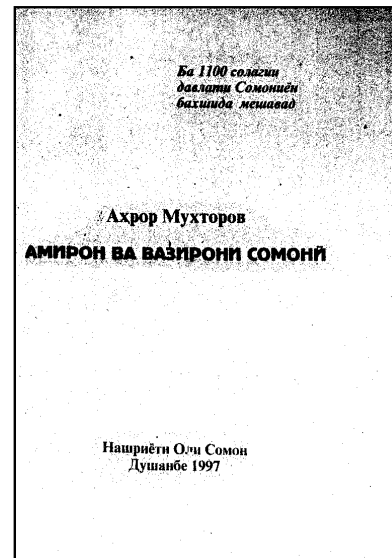
اما ذکر نکته‌ای لازم به نظر می‌رسد. احرار مختاراف می‌نویسد که محققین نسبت دو وزیر سامانی را در شکل نام «عُطبی» دانسته‌اند، این نظر چندان درست نیست. طبق نظر این محقق یکی «عُطبی» و دیگری «عُطبی» بوده است. متأسفانه مؤلف مقاله مزبور برای اثبات صحت نظر خویش دلائل و براهینی را عرضه نداشتند است.^۲

همچنین نظر احرار مختاراف را راجع به دو وزیر دیگر سامانیان یعنی ابوالفضل بلعمی و ابوعلی

ضدیت‌های وزرا و غلامان و امثال این گونه مسائل دربار و دیوان‌های سامانیان را به خوبی نشان داده است. ولی با این وجود کتاب را نمی‌توان، یک تألیف آکادمیک در زمینه دیوان‌سالاری و وزرای سامانیان نامید. بررسی احوال و فعالیت سیاسی وزرا در این اثر کامل و همه‌جانبه نیست. گذشته از این، تاریخ ایران در زمان سامانیان که در این کتاب آمده، تقریباً تکرار نوشته‌های قبلی محققین است و یک حرف تازه آکادمیک در این اثر نمی‌توان پیدا کرد. هر چند که اهل علم و ادب از کار تحقیقی جدید این محقق امیدهای فراوان داشتند. البته بررسی مفصل و تخصصی، زمان می‌خواهد. ولی لازم به ذکر است که در متن خطاهای املائی و یا چاپی بسیاری نیز به چشم می‌خورد. چنانچه، نام‌های جغرافیایی، اسامی اشخاص و اعلام از قبیل: استروشنه (ص ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۳۹...)، طراز (ص

نقد و معرفی مختصر دو کتاب تاریخی درباره سامانیان

در سال ۱۹۹۷ م. انتشارات آل سامان کتاب جدید آکادمسین احرار مختاراف را تحت عنوان امیران و وزیران سامانی به چاپ رساند. این اثر در اصل مجموعه مقالات محقق است که برخی از آنها را، چند سال پیش به زبان روسی چاپ کرده بود. تقریباً همه مقالات در رابطه با تاریخ و فرهنگ قرون ۳-۴ هـ / ۱۰-۹ م. خراسان و ماوراءالنهر است. دو مقاله نسبتاً ارزشمند نیز، به وزرای آل سامان اختصاص یافته است. مقاله «وزیران سامانیان» اطلاعات نسخه خطی «آثار الوزرا»، نوشته سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی را درباره هشت تن از وزرای سامانیان مورد بررسی قرار داده است.^۲ ضمن بررسی‌ها، مؤلف نحوه برگزیدن وزرا،



مقالات ارائه شده در کتاب امیران و وزیران سامانی، عموماً در رابطه با تاریخ و فرهنگ قرون ۴ - ۳ هـ / ۱۰ - ۹ م خراسان و ماوراءالنهر است.

بلعمی و جایگاه آن دو در حکومتداری هرگز یک نظر و فکر تازه نمی‌توان شمرد. این واقعیت در علم مدت‌هاست که ثابت شده^۴. علت اصلی تکرار عقاید پیشینیان از جانب محققین معاصر در آن است که تاریخ مسأله را چندان خوب بررسی نکرده‌اند. احرار مختاراف از تحقیقات خویش چنین نتیجه می‌گیرد که کتاب آثار الوزرای سیف‌الدین عقیلی برای بررسی همه جانبه رابطه رودکی با دو تن از وزرای آل سامان به اسم بلعمی می‌تواند منبع نادر تاریخی و ادبی باشد.^۵ این در صورتی است که نوشته‌های عقیلی در باب وزاری آل سامان، چیزی جز تکرار نوشته‌های مورخین پیشین نیست.

برای تحقیق و بررسی اصل و نسب سامانیان، ارزیابی مقاله دیگری از کتاب احرار مختاراف، تحت عنوان آل سامان استروشنی، مفید به نظر می‌رسد که نقد و بررسی آن در جای دیگری خواهد آمد.^۶ در سال ۱۹۹۹ م. در انتشارات عرفان کتاب پرفسور حق نظر نظراف تحت عنوان عوامل صعود و سقوط دولت سامانیان به چاپ رسید.^۷ این اثر مشتمل بر سه باب بود، مؤلف در آن به بحث در زمینه‌های تأسیس دولت سامانیان (باب اول)، عوامل عروج و صعود آل سامان (باب دوم)، عوامل تنزل و سقوط سامانیان (باب سوم)، پرداخته است. موضوع انتخاب شده بدون شک از نظر علمی، بسیار مهم و ارزنده است، چون در حقیقت جای این‌گونه موضوعات در تاریخ‌نگاری و شرق‌شناسی شوروی سابق و تاریخ‌شناسی تاجیک خالی بود، و کتاب مزبور جوابگوی نیازهای خوانندگان است. از سوی دیگر با وجود جالب بودن موضوع، کتاب پرفسور حق نظر نظراف را در میان تحقیقاتی که در

زمینه تاریخ سامانیان در سال‌های اخیر به چاپ رسیده‌اند، به هیچ وجه نمی‌توان به عنوان تحقیق مرجع و آکادمیک معرفی کرد. البته نه تنها بررسی و ارزیابی علمی و تخصصی این اثر، بلکه کل تألیفات محققین در زمینه تاریخ سامانیان که در ده ساله اخیر در تاجیکستان و کشورهای دیگر چاپ شده، از کارهایی هستند که باید در آینده صورت بگیرد. اما در این صفحات، لازم است نظر مؤلف کتاب عوامل صعود و سقوط سامانیان در رابطه با مسائل اصل و نصب آل سامان و خاستگاه آنان به صورت مختصر مورد بررسی قرار بگیرد، چون پرفسور حق نظر نظراف از محققین شناخته شده در تاجیکستان به شمار می‌آید و مسلماً نوشته‌هایش درباره تاریخ و فرهنگ ملی بر جامعه معاصر تاجیک مؤثر است.

باب دوم کتاب، از بخش‌های نسبتاً مهم آن محسوب می‌شود. این بخش از کتاب، چنین آغاز می‌شود: «حکمرانی سامانیان در ماورالنهر و خراسان بیش از ۱۸۰ سال دوام داشته است. آنها در اول از طرف طاهریان حکومت ماورالنهر را در دست داشتند. پس از شکست صفاریان در سال ۹۰۰ م. زمامداری خراسان و ایران هم به آنها سپرده شد و سنه مزبور، عادتاً ابتدای دولت سامانیان به شمار می‌آید. تاریخ دولت سامانیان را به دو مرحله می‌توان تقسیم نمود: مرحله اول: عروج و صعود دولت سامانیان؛ مرحله دوم: تنزل و سقوط آنها»^۸ باید گفت که در نوشته فوق، عبارت «خراسان و ایران» از منظر تاریخی چندان برخوردار نبوده و از نظر تاریخی ناهماهنگ است. چرا که مفهوم «خراسان» و «ایران» در طول تاریخ، به معانی

مختلف مورد استفاده بوده است. خود همین ناهماهنگی مفهوم‌های تاریخی - جغرافیایی بیانگر تسلط مؤلف بر موضوع است.

در نوشته‌های پرفسور حق نظر نظراف ابعاد هیچ یک از مراحل تاریخ دولت سامانی، به رغم تلاش وی، به طور عمیق و گسترده نشان داده نشده است. به این خاطر می‌توان گفت که تقسیم‌بندی تاریخ سامانیان که از جانب پرفسور حق نظر نظراف ارائه شده است؛ به علت عدم تحقیق عمیق، تقریبی و یا مصنوعی به نظر می‌رسد.

حق نظر نظراف، در بررسی مسائل اصل و نسب سامانیان نیز، سعی و کوشش تمام به خرج داده اما با وجود سخن‌پردازی‌های مؤلف در حل و فصل مسأله اصل و نسب سامانیان، سخن تازه‌ای به میان نیامده است. از جمله مؤلف در رابطه با اصل و نسب آل سامان می‌نویسد:

«اصل و نسب سامانیان به قهرمان ملی ایرانیان، بهرام چوبینه می‌رسد ولی آنها از زادگان خراسان زمین و آب و تاب یافته و پروریده این دیار بوده‌اند که به مقام ارجمند دولت رسیده‌اند. اکثر مورخان و محققان هم از چنین عقیده‌ای جانبداری کرده‌اند که این موافق مرام و مقصد خود سامانیان هم بود، زیرا آنها احیا و تجدد تاریخ و فرهنگ ایران را وظیفه ملی خود قرار داده بودند و از این لحاظ نسب‌شان را به ساسانیان می‌رسانیدند»^۹ و باز می‌افزاید:

«اگر از سیاست‌بازی زمانه صرف‌نظر شود باز هم معلومات تاریخ بخارای ابوبکر نرشخی، باید معتبرترین و قدیمی‌ترین منبع شمرده شود که



«احرار مختاراف»، نویسنده کتاب «ایران و وزیران سامانی»

سامانیان را از اهل بلخ دانسته است. بعضی مورخان، سامانیان را به ترمذ و سمرقند هم نسبت می‌دهند، لیکن به طور قطعی تصدیق کردن هر یک از این دعوی‌ها، کار دشواری است و از این تلاش‌ها و کوشش‌ها حاصل نمی‌شود، زیرا مطلب روشن است، سامانیان از هر کجا باشند، ایرانی اصیل بوده‌اند.^۱

چنانکه دیده شد پرفسور حق‌نظر نظراف، با وجود تلاشی که کرده، تحقیق مسائل اصل و نسب سامانیان را از کارهای بسیار مشکل و همواره غیرسودمند پنداشته و قطعاً از حل و فصل این مسأله کناره‌گیری کرده است.

تعدادی از ارجاعات، اشکالاتی دارند که به قلم نویسنده کتاب برمی‌گردد. همچنین ارجاعات، به یک روش نیامده است، نتیجتاً روش ارجاعات را نمی‌توان، علمی دانست. در رابطه با متون تاریخی نکته دیگری لازم به ذکر است. نه تنها در کتاب عوامل صعود و سقوط دولت سامانیان بلکه در نوشته‌های دیگر و حتی در تألیفات ادیبان و ادبیات‌شناسان تاجیک طبق عادات اسامی مؤلفین و نویسندگان اسلامی پیشین و معاصر را در شکل اختصاری می‌نویسند. چنانچه در کتاب مورد نظر اسامی مؤلفین از قبیل: ابوبکر نرشخی، (ص ۲۸، ۵۵)، ابوالفضل بلعمی (ص ۶۹)، ابوعبدالله چیهانی (ص ۷۳) و بسیاری دیگر در شکل کوتاه شده یعنی به صورت ا. نرشخی، ا. بلعمی... آمده است که البته در زبان فارسی و عربی این شیوه جایز نیست و شایسته است محققین و نویسندگان به هر نحوی که هست از این گونه شیوه نگارش به‌خصوص در تاجیکستان که برای پاسداری زبان و

فرهنگ نیاکان، توجه خاصی مبذول داشته، خودداری نمایند.

نویسنده سطور در این قسمت، سعی نمود تا مهم‌ترین آثار علمی و تحقیقات تاریخی که در سال‌های اخیر در زمینه تاریخ آل سامانیان در جمهوری تاجیکستان و جمهوری اسلامی ایران انجام شده را ارزیابی نماید.

البته شاید، برخی از تألیفات و تحقیقات، به طور کامل مورد بررسی و نقد قرار نگرفته باشد، اما نظریات سودمند در پیشرفت علم و شیوه‌های تحقیق، باید گفته شود. برخی از دانشمندان و پژوهشگران که تألیفاتشان در این صفحات و نیز در جای دیگر مورد بررسی قرار گرفته، از جمله استادان و دوستان راقم این سطورند و می‌بایست نواقص نوشته‌ها و تحقیقات ایشان بیان می‌شد. ولی از سوی دیگر، همین استادان، راهبران راه علم و تحقیق و در پی یافتن حقیقت تاریخ‌اند. واقعاً آنچه در این بررسی به عنوان کمبودها و نواقص آورده شده به هیچ وجه، منظور پایین آوردن شخصیت‌های علمی و فرهنگی و ناچیز نشان دادن دستاوردهای محققین و پژوهشگران نبوده است. چون هر یک از آنان در تحقیق و پژوهش‌های تاریخی، جایگاه و مقام شامخی دارند و این واقعیت بر هیچ کس پوشیده نیست. مراد از ریزبینی‌ها، تکمیل‌تر و عملی‌تر کردن راه‌ها و شیوه‌های تحقیقات تاریخی و نیز علمی‌تر نمودن اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها در بررسی مسائل مربوط به تاریخ و فلسفه آن است.

دانش هیچ دانشمندی، حقیقت مطلق نیست. دستاوردها هم، حقیقتی نسبی است. اما راه‌ها و

شیوه‌های نسبی دانشمندان و محققین باید به واقعیت و حقیقت نزدیک باشد. محقق و پژوهشگر از نقد و بررسی‌های اصلاح‌طلبانه که لازمه تکمیل اندیشه‌ها و دیدگاه‌های علمی است، نباید آزرده خاطر شود بلکه از دیدگاه‌ها، مصلحت‌ها و پیشنهادهایی که وسیله استواری منطق و فلسفه و یکی از عوامل پیشرفت علم و صعود فرهنگ در فعال و کارگر بودن نقد و بررسی‌های علمی در علوم مختلف است استقبال نماید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مختار اف، احرار: امیران و وزیران سامانی، انتشارات آل سامان، تاجیکستان، دوشنبه، ۱۹۹۷، ۷۷ ص. (به زبان تاجیکی، به خط سیریلیک)
- ۲- همان، ص ۶۱-۵۸.
- ۳- همان، ماخذ، ص ۶۱-۵۹.
- ۴- ر. ک: بیات، عزیزالله: وزرای نامی سلسله سامانی (خاندان بلعمیان) - مجله بررسی‌های تاریخی، سال دهم، ۱۳۵۴، شماره ۳، ص ۱۱۶-۹۵.
- ۵- مختار اف، پیشین، ص ۶۴.
- ۶- همان، ص ۵۶-۵۰. راجع به نقد و بررسی این موضوع ر. ک: به. بایمت اف، لقمان: خاستگاه آل سامان به کیهان فرهنگی، ۱۳۸۰، فروردین ماه، شماره ۱۷۴، ص ۶۸-۶۷.
- ۷- نظر اف، حق‌نظر: عوامل صعود و سقوط دولت سامانیان، انتشارات عرفان، دوشنبه، تاجیکستان، ۱۹۹۹، ص ۱۳۹.
- ۸- همان، ص ۵۵.
- ۹- همان، همان جا.
- ۱۰- همان، جا.